

جام پلاس

عکس‌های عاشورایی در نمایشگاه

همزمان با نزدیک‌شدن به سالروز شهادت امام حسین(ع) و یارش، نمایشگاه‌های آثار تجسمی با موضوع عزاداری مردم در محرم در سطح شهر برگزار می‌شود. از جمله این نمایشگاه‌ها، می‌توان به نمایشگاه عکس «مجلس پرده‌نشینان» اشاره کرد که عکس‌های طاهره بابایی و تهmine رحمانی از روضه‌های خانگی است و شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۳ ساعت ۱۷ در گالری شماره یک خانه عکاسان افتتاح می‌شود.بابایی و رحمانی

۱. هادی مقدم‌دوست، کارگردان و فیلمنامه‌نویس ایرانی، فعالیت سینمایی خود را در مقام کارگردان از سال ۱۳۸۹ و با فیلم «چسب زخم» آغاز کرد. او به‌عنوان کارگردان مجموعه تلویزیونی سربازهای جمعه و فیلم‌های هیهات، سربه‌مهر، چسب زخم (اپیزود ملاقات) و عطرآلود را در کارنامه خود دارد. همچنین در مقام نویسنده، نویسندگی فیلم‌های شعله‌ور، هیهات، سربه‌مهر، وضعیت سفید (مجموعه تلویزیونی)، چسب زخم (اپیزود ملاقات)، تولدی دیگر و گل من گلی (مجموعه تلویزیونی) را بر عهده داشته است. علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده، نویسنده، منتقد و عضو شورای تحریریه روزنامه جام‌جم در گفت‌وگو با او درباره راز رفاقت‌هایی که در عالم سینما زیانزد شده‌اند، شیوه وارد کردن مفاهیم دینی و ارزشی در آثار سینمایی، ضرورت توجه به نیازهای مخاطب امروز، نشانه‌ها و مصادیق سینمای متعهد و تاثیرگذار و همچنین خلاقیت در پرداختن به موضوعات جدید و امروزین گفت‌وگو کرده است.

آنچه می‌خوانید حاصل حضور وی و گفت‌وگو در میز فرهنگی جام‌پلاس است.

۲. سلام و خوشامد می‌گویم جناب آقای مقدم‌دوست. شما این روزها فیلم «عطرآلود» را در حال اکران دارید، خوشبختیم که امروز در برنامه جام‌پلاس در خدمت شما هستیم.

منمونم که من را دعوت کردید و خدمت شما و همه بینندگان و خوانندگان گرامی این برنامه سلام عرض می‌کنم.

۳. ما در این برنامه ابتدا در خصوص بنیان‌ها و گرایش دوستان موفق حوزه فرهنگ و هنر که دعوت ما را می‌پذیرند، صحبت می‌کنیم. سؤال از شما این است که چه اتفاقی رخ داد و قلاب سینما، شما را درکجا صید کرد؟

در زمان نوجوانی ما و در آن سن و سال اتفاقی که در حال حاضر خیلی فراگیر شده است، رخ نداده و هنوز وسایلی مانند گیم و گوشی، نوجوانی را نبعلیده بود، در نتیجه ما در آن دوره به چیزهای دیگری علاقه‌مند می‌شدیم. دوره نوجوانی یا همان دوره‌ای که در زمان ما به آن راهنمایی می‌گفتند، در واقع سن و دوره‌ای است که فرد چیزهای جدیدی پیدا می‌کند. مواجهه دیگری با مسائل دارد و غیر از این‌که دنیای او دنیای نوجوانی و باری است، به یکسری چیزهای جدی نیز علاقه‌مند می‌شود. در آن دوره جوانان به شکل متنوعی به چیزهای جدید علاقه‌مند می‌شدند که این علاقه‌مندی در یکسری اشیا نمود پیدا می‌کرد؛ اشیایی که انگار کیفیت و ماهیت اسباب‌بازی داشتند و در عین حال برایشان جدی و مهم بود. ممکن بود فرد به یک میکروسکوپ، تلسکوپ یا ماشین علاقه‌مند شود. در این میان یکی از علاقه‌مندی‌هایی که شاید افراد کمتر به سمت آن می‌رفتند «سینما» بود.

۴. سینما در آن دوره چیز دور از دسترسی بود و مثل حالا سهل‌الوصول نبود.

همین‌طور است. بچه‌ها اگر هم به سینما علاقه‌مند می‌شدند، به دیدن فیلم روی می‌آوردند و علاقه‌مندی نشان می‌دادند و پشت صحنه فیلم خیلی برایشان مهم نبود. آنها به سینما می‌رفتند و فیلم می‌دیدند ولی کمتر اتفاق می‌افتاد که سر بگردانند و به آنجایی که فیلم از آنجا پخش می‌شد، نگاهی بیندازند و در مورد آن کنجکاو شوند فقط به پرده روبه‌رو نگاه می‌کردند اما من از همان زمان جزو کسانی بودم که وقتی می‌رفتم و فیلم می‌دیدم، به غیر از این‌که پرده را می‌دیدم، آپاراتخانه را هم نگاه می‌کردم و برابم جذاب بود. اگر خوب دقت کنیم، در واقع آخرین مرحله پشت صحنه سینما تا قبل از رسیدن فیلم به پرده، همان دستگاه آپارات و سیستم پخش فیلم است و از آنجاست که پشت پرده تمام و صحنه نمایش آغاز می‌شود.

۵. نام اولین فیلمی که دیدید، خاطرتان هست؟

نه خیلی بچه بودم و خاطرم نیست.

۶. یادتان هست در کدام سینما اولین فیلم را به تماشا نشستید؟

تا جایی که در خاطر دارم «سینما بهمن» بود. چون اوایل را در یاد ندارم و در واقع از جایی را به خاطر می‌آورم که خودم بزرگ‌تر شده بودم و به سینما می‌رفتم.

۷. شما هم جزو کسانی بودید که وقتی در کودکی و دوره دبستان می‌پرسیدند می‌خواهید چکاره شوید، می‌گفتید که می‌خواهم فیلمساز شوم.

نه، نه. اصلا نمی‌دانستم سینما چیست.

۸. البته طبیعی هم هست، چون مقوله سینما آن قدر ناشناخته بود که چنین انتظاری نمی‌رود. جالب است که توجه کنیم تا اوایل دهه ۷۰ عموم مردم حتی اسامی بازیگران مطرح در سطح استاد جمشید مشایخی و عزت‌ا... انتظامی را به‌درستی نمی‌دانستند و مثلا می‌گفتند «نظام‌الملک» یا «رضا خوشنویس» در فلان فیلم بازی می‌کند. دبلیش هم همان دور از دسترس بودن سینما برای عموم بود.

برخی چیزها در درون خودشان رازی پنهان دارند که به‌خصوص برای بچه‌ها و نوجوانان جذابیت دارد. همین است که می‌گویم اگر چیزی حواس آنان را نبعلد، توجه‌شان را جلب نمی‌کند. هنوز هم همین‌گونه هستند. یعنی اگر یک هفته این‌گوشی تلفن همراه در دسترس‌شان نباشد، به سراغ کتاب، ذره‌بین، پدیده‌های مختلف و به تعبیری همان نوجوانی اراگانیک می‌روند.

فعالیت‌های فیلمسازی کانون بود. بعد که از معلم‌مان برای ادامه آموزش سؤال کردم، گفت به سینمای جوان بروید. در آن دوران نوجوانی ۱۳، ۱۴ و ۱۵سالگی علاقه به این ابزار، ادوات و تکنولوژی آن در ما زبای بود.

۹. یک حالت جادویی داشت: اتاق تاریک ظهور و چاپ عکس و ماجراهای آن.

اصلا بیرون آمدن تصویر از درون کاغذ چاپ و درک فرآیند آن برایمان خیلی حیرت‌انگیز و جذاب بود. امری که مطمئمن هنوز هم برای نوجوانان جذابیت و گیرایی دارد و اگر وارد این فرآیندها بشوند حتما لذت می‌برند. به‌طور مثال بچه‌هایی که به دنبال کار رایتیک می‌روند، زمانی که یک کنترل در دست دارند یا در فرآیند ساخت یا حتی مونتاژ آن شرکت می‌کنند و می‌بینند با فشار دادن یک دکمه، ماشین کنترلی را که خودشان آن را ساخته‌اند، به این‌سو آن سوی می‌روند و حرکتش در کنترل آنهاست، خیلی لذت می‌برند و هیجان دارند و می‌خواهند که این سیستم‌ها را بفهمند و ساختار آن را تجربه کنند.

۱۰. اساسا دنیای نوجوانان نسبت به دنیای ما خیلی ساختارمندتر است. چون تجربه هزاره‌ای و ژنتیک آنها و تجربه زیسته آنها با ما متفاوت‌تر است. انجوبه‌های عجیب و غریبی هستند. پس بدش به سینمای جوان رفتید؟

در ابتدا علاقه‌مندی به این دم و دستگاه عجیب و غریب بود و بعد به کلاس‌های فیلمسازی رفتم.

۱۱. آیا خانواده‌تان حمایت می‌کردند و برای شرکت در این کلاس‌ها به شما پول می‌دادند؟

کلاس‌ها پولی نبود.

۱۲. یعنی سینمای جوان هم پولی نبود.

نه پولی نبود، کانون هم پولی نبود. هیچ‌کدام پولی نبودند. در کانون و در اواخر دوره‌های آن حتی فیلم خام برای ضبط نداشتند.

۱۳. به‌لبه، خاطرم هست که کمبود داشتیم و در دوره‌ای به خیابان ناصرخسرو می‌رفتم و با هزار ترند فیلم سیاه و سفید را که لازم بود، می‌خریدیم.

همین‌طور است، یعنی فیلمی داخل دوربین نبود و ما خیلی جدی فرآیند فیلمسازی را انجام می‌دادیم.

۱۴. یعنی حتی با خالی‌بودن دوربین، آیین آن را

به جامی آوردید؟

بله. با آن‌که چیزی ضبط نمی‌شد، برداشت‌ها را تکرار می‌کردیم. طوری‌که یادم هست زمانی که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فیلمسازی یاد می‌گرفتم، با پولی که جمع کرده بودم یک حلقه فیلم خریدم و داخل دوربین انداختم تا آنچه بازی می‌شد، ضبط شود.

اما در سینمای جوان موضوع فرق می‌کرد و برای حمایت از جوانان و نوجوانان تسهیلاتی وجود داشت که برای علاقه‌مندان به فیلمسازی تخصصی یافته بود. اولین باری که برای شرکت در جلسات فیلمسازی رفتم، برابرم یک نوع کشف بود که فهمیدم آهان! این ابزار جز این‌که یک وسیله برای فیلمبرداری است، امکان روایتگری را نیز برای ما فراهم می‌کند.

۱۵. یعنی بتوانی قصه خودت را هم تعریف کنی. البته این موضوع با پیشرفت‌هایی که صورت گرفته است، امری بدیهی است اما آن زمان برای یک نوجوان کشف و شهود بود، است.

همین‌طور است اما برای ما جذاب بود، چون می‌توانستیم به‌وسیله آن قصه‌ای را که نوشته و در یک نشریه چاپ کرده‌ام، به‌صورت فیلم نیز تولید کنیم. البته از همان دوره کودکی و نوجوانی که حدود ۱۲ و ۱۳ سالگی را دربرمی‌گیرد از تماشای فیلم لذت می‌بردم.



عکس‌های عاشورایی، از سوی موسسه فرهنگی آرتونیست، آثار رضا رادپور، عکاس پیشکسوت و جانباز دفاع‌مقدس برای علاقه‌مندان به هنر عکاسی به‌صورت برخط به نمایش گذاشته شد. «سبز سرخ» روایت عاشقانه عکاسان کشور است که همگام با عزاداران حسینی هر شب به نمایش گذاشته می‌شود. در شب‌های اول و دوم محرم آثار هادی دهقان پور و داوود کهن‌ترابی از عکاسان بنام و پیشکسوت به نمایش درآمد.



در «جام‌پلاس» این هفته: زمینه‌ها، نشانه‌ها، رمز و راز در گفت‌وگوی علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده با هادی مق

ضرورت ترویج مشیتا

سینمای جوان به حساب می‌آمد، البته دفتر تهران سینمای جوان جایی دیگر قرار داشت و یکی دو باری هم جابه‌جا شد.

۱. یکی از جذابیت‌های سینما این است که با همه شرایط خاص سینما و به‌ویژه سینمای ایران، رفاقت و نارفتی، طمع جای خود را دارد. در نتیجه اگر فرصتی برای کار پیش یابید، طرف می‌گوید چرا هادی و حمید را صدا نکنیم و خودمان سودش را ببریم. اما انگار این بخش برای شما قفل است.

واقعا قفل است. به‌نظم این امر محصول همین علاقه و همبازی و همین رفاقتی است که شما می‌گویید. یعنی هم بنده و هم حمید هر دو خیلی به سینما و این زبان علاقه داشتیم و داریم. حتی به همان ادوات، فناوری و همه جوانب آن همچنان علاقه‌مندیم و آن را دوست داریم.

۲. ذوق می‌کنید!

آفرین! تعبیر خوبی است، چون این یک کار ذوقی است و ما هم با انجام این کارها واقعا ذوق می‌کنیم، ذوقی که پشت آن شوق است و به یک معنا با این کار حرکت می‌کنیم و حیات داریم. این حاصل همان نیرو و کششی است که نسبت به سینما داریم و هم در بخش صنایع لفظی و هم در بخش روایی آن علاقه‌مند به این موضوع هستیم.

۳. من می‌گویم شما انگار این خصلت، معرفت و جنس رفاقت را از بیرون از سینما آورده‌اید که حریف این ناجوانمردانگی‌های درون سینما می‌شوید. مثل طیف آقای کیمیایی، فرامرز قریبیان و حسین مختاری که انگار از خیابان پل ری یک جور معرفت و رفاقتی را با خودشان آوردند که سینما، سال‌های سال حریف‌شان نشد.

ما با دوستان دیگری هم این زبان مشترک سینما را داشتیم ولی در مورد بنده و حمید فقط این زبان مشترک سینما نبود که این تاب‌آوری و رفاقت را ایجاد می‌کرد. برای ما خود سینما محل رفاقت بود، چون درباره سینما حرف زدن لزوما تبدیل به رفاقت نمی‌شود اما این ظرفیت را دارد که وسیله رفاقت و نزدیکی بیشتر شود. توی رفاقت محبت و دوستی است این دوستی می‌تواند در سینما یا در ابعاد دیگری عبیت پیدا کند، چون

نوا

«ریچارد کلایدرمن» در ایران؟



کسرت «ریچارد کلایدرمن» ۱۹ و ۲۲ نوامبر در تورنتو و ونکوور کانادا به تهیه‌کنندگی کمپانی «لیما» برگزار خواهد شد و پس از برگزاری تور کسرت خواننده‌های ایرانی در شهرهای اروپا، کانادا، استرالیا حالا کمپانی لیما فعالیت‌های بین‌المللی خود را

از سر گرفته است. برگزاری و اجرای انحصاری کسرت یکی از بهترین پایانست‌های جهان در شرایطی به عهده کمپانی ایرانی است که کلایدرمن پیشتر تور جهانی کسرت‌هایش را با بزرگ‌ترین غول‌های این حوزه در سال ۲۰۲۲ روی صحنه برده است. میلاد ماهان‌راد، مدیرعامل این کمپانی گفت: کلایدرمن چهره‌ای جهانی و مهم در موسیقی کلاسیک جهان است و تورکسرت‌هایش مخاطبان زیادی در سراسر جهان دارد. بعد از برگزاری تور کانادا قرار است درباره حضور این هنرمند در ایران با اومدآکرانی صورت‌پذیرد و تصمیم داریم برای اواخر اسال، کسرت‌ایشان را در تهران برگزار کنیم. همکاری‌های زیادی با مادر این زمینه‌از سوی مدیران فرهنگی شده و تصمیم داریم این موضوع را به‌صورت جدی در ایران به سمت اجرایی‌شدن هدایت کنیم.

رویداد

عضویت در کتابخانه ملی الکترونیکی شد



عضویت در کتابخانه ملی ایران با اتصال به پنجره واحد دولت هوشمند، کاملا الکترونیکی شد. با اتصال خدمات کتابخانه ملی ایران به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند، عموم افرادی که دارای شرایط عضویت هستند و نیز اعضای کتابخانه ملی می‌توانند از خدمات پذیرش عضویت و تمدید آن به‌صورت کاملا الکترونیکی

بهرمند شوند. بر اساس این گزارش با اتصال به این پنجره واحد و تجميع تمامی خدمات در «میز خدمت»، مراجعان و کاربران کتابخانه ملی می‌توانند به‌نحو مناسب و کارآمدتری از خدمات کتابخانه‌ای به‌صورت الکترونیک بهره‌مند شوند. تسهیل فرآیند کاربران در ورود به سامانه‌های متعدد سازمانی یکی از اهداف استفاده از درگاه یکپارچه‌سازی خدمات است که با راه‌اندازی آن تمامی خدمات مورد نیاز سازمان و مراجعان اعم از پذیرش و تمدید عضویت، احراز هویت و استفاده از کارت عضویت، به‌صورت الکترونیکی قابل اجرا خواهد بود. کاربران می‌توانند از طریق پرتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به نشانی nli.ir و ورود به میز خدمت، ثبت‌نام و تمدید عضویت در کتابخانه ملی را به‌صورت کاملا الکترونیکی انجام دهند. با ارائه این خدمت، اعضا از طریق رمزینه (کیوآرکد) موجود در کارت الکترونیکی، می‌توانند در کتابخانه ملی تردد داشته باشند.

داود رشیدی نتوانست به عشقش برسد!

مراسم بزرگداشت داوود رشیدی با حضور چهره‌های هنری و با برپایی نمایشگاه پوستر فیلم، تئاتر و عکس‌های شخصی این هنرمند فقید در پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب برگزار شد. نخستین جشنواره «فیلم و عکس با انرژی» این مراسم را با برپایی نمایشگاهی شامل ۳۰ پوستر فیلم، تئاتر و عکس‌های شخصی این هنرمند فقید ایران، در پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب برگزار کرد. در این مراسم احترام برومند، هنرمند شناخته‌شده و همسر زنده‌یاد رشیدی گفت: عشق داوود رشیدی تئاتر بود ولی مشکلاتی که شکل می‌گرفت، نگذاشت به عشق خود بپردازد. خوشحالم آخرین کاری که مردم از داوود رشیدی دیدند، یک کار تئاتر بود.

